

فیروزکوه
و
فرازهایی از تاریخ مازندران
(پس از اسلام)

خلیل الله بهراد
(باطبی فیروزکوهی)



انتشارات اریش

۱۳۹۵

سرناسه:	بهراد، خلیل‌الله، ۱۳۱۸
عنوان و نام پدیدآور:	فیروزکوه و فرازهایی از تاریخ مازندران (پس از اسلام) تألیف خلیل‌الله بهزاد (باطبی فیروزکوهی)
مشخصات نشر:	تهران: انتشارات اریش، ۱۳۹۵
مشخصات ظاهری:	۱۷۵ ص: نقشه
شابک:	۹۷۸۶۰۰۹۵۶۸۷۰۱۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی:	قیفا
یادداشت:	کتابنامه: ص ۱۷۲ - ۱۷۵: همچنین به صورت زیرنویس
موضوع:	فیروزکوه - تاریخ
موضوع:	Firuzkuh (Iran) - History
موضوع:	ایران - تاریخ - - پس از اسلام ۱۲ق.
موضوع:	Iran - - History - - ۶۳۳ era
رده‌بندی کنگره:	۱۳۹۵ ب ۹۳ / ۲۱۱۱ DSR
رده‌بندی دیویی:	۹۵۵/۱۲
شماره کتابشناسی ملی:	۴۳۴۴۶۸۴



نویسنده: خلیل‌الله بهزاد (باطبی، فیروزکوهی)

طرح جلد: مریم سعید

ویراستار: زهرا تقی‌زاده

نمونه‌خوان: سارا قطبی راوند

صفحه‌آرا: امید مقدس

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: آذین

چاپ: نخست ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۹۵۶۸۷ - ۱۰۰

بها: ۲۰۰۰۰ تومان

تهران - انتشارات اریش

شماره تماس: ۰۲۱ - ۶۶۹۰۳۸۱۳

info@arishpub.ir

www.arishpub.ir

فهرست

۱۳	تشکر و اعتذار
۱۵	شبه‌مقدمه

باب اول

۲۱	فصل یکم: حمله اسکندر به ایران و جانشینان او (سلوکیان)
۲۲	فصل دوم: حمله اعراب به ایران
۲۴	فصل سوم: نگرشی بر چند ادعا
۳۰	فصل چهارم، بخش یکم: حمله اعراب به طبرستان
۳۳	فصل چهارم، بخش دوم: شکست حمله به تبرستان
۳۵	فصل چهارم، بخش سوم: فتح مجدد گرگان
۳۹	فصل چهارم، بخش چهارم: تجزیه تبرستان
۴۱	فصل چهارم، بخش پنجم: فروپاشی تبرستان
۵۲	

باب دوم

۶۱	فصل یکم: سوادکوه پس از فروپاشی تبرستان
۶۲	فصل دوم: فیروزکوه پس از فروپاشی تبرستان
۶۵	فصل سوم: فیروزکوه در پرده ابهام
۷۰	

باب سوم.....	۷۳
فصل یکم: حمله مغول و اثرات شوم آن.....	۷۴
فصل دوم: بنی افراسیاب و انقراض سلسله باوندیان.....	۷۸
فصل سوم: سادات مرعشی و ناکامی در فتح قلعه فیروزکوه.....	۸۲
فصل سوم، بخش یکم: چگونگی تسلیم قلعه فیروزکوه.....	۸۸
فصل سوم، بخش دوم: عاقبت سادات مرعشی.....	۹۱
فصل چهارم: حمله تیمور و ظهور و افول اسکندر شیخی.....	۹۳
فصل پنجم: حمله شاه اسماعیل صفوی به فیروزکوه و ویرانی قلاع.....	۱۰۳
فصل پنجم، بخش یکم: انهدام قلعه گلخندان.....	۱۰۵
فصل پنجم، بخش دوم: سقوط قلعه فیروزکوه.....	۱۰۷
فصل پنجم، بخش سوم: معرفی قلعه استوناوند و کتل فیروزکوه.....	۱۱۰
فصل ششم، بخش اول: فتح قلعه استوناوند و کباب خوری سپاهیان پیروز.....	۱۱۲
باب چهارم.....	۱۱۷
فصل یکم: فیروزکوه، پناهگاه فراریان و اعیان شاه مقصران.....	۱۱۸
فصل دوم: نکاتی از تواریخ گوناگون.....	۱۲۲
جاده ابریشم.....	۱۲۲
امرای معنوی و اسلام.....	۱۲۲
کوچ به ایران.....	۱۲۲
گردنه گدوک یا کتل فیروزکوه.....	۱۲۳
جنگ ۳ به ۱ در فیروزکوه.....	۱۲۳
شفای شاه عباس در فیروزکوه.....	۱۲۳
بیماری شاه عباس و جشن ولیعهد.....	۱۲۴
جاده شاه عباسی.....	۱۲۴
تعیین قلعه بان و فرمانده پادگان (بیگلریگی).....	۱۲۴
بخشش الگاء ایل یازوکی به غیر.....	۱۲۵
شکار شاه عباس دوم.....	۱۲۵

۱۲۵.....	تفریح شاه عباس ثانی.....
۱۲۵.....	استمداد نادرشاه از مردم.....
۱۲۶.....	شلیک به نادرشاه در فیروزکوه.....
۱۲۶.....	فوج لران در فیروزکوه.....
۱۲۶.....	فیروزکوه، پایتخت اولیه فتحعلی شاه.....
۱۲۷.....	وصف ساوواشی.....
۱۲۷.....	شکار آغامحمدخان قاجار.....
۱۲۷.....	محمدشاه در فیروزکوه.....
۱۲۷.....	روایتی از ناصرالدین شاه.....
۱۲۸.....	صاحب اعظم معزول ناصرالدین شاه.....
۱۲۹.....	فصل سوم: نادرشاه و درویشی.....
۱۳۲.....	آق ملک بن شاه جهان در فیروزکوهی.....
۱۳۲.....	خضر حبله رودی.....
۱۳۳.....	محمد حبله رودی.....
۱۳۳.....	اشرف الادبا.....
۱۳۴.....	علامه سید یعقوب دریاباری.....
۱۳۵.....	آیت الله سید عنایت الله دریاباری.....
۱۳۶.....	سید کریم امیری فیروزکوهی.....
۱۳۷.....	امیرانو فیروزکوهی.....
۱۳۷.....	شیخ الملک اورنگ.....
۱۳۸.....	ابوالقاسم سعیدی (سبا).....
۱۴۲.....	پهلوانان.....
۱۴۳.....	فصل چهارم: طوایف فیروزکوه.....
۱۴۶.....	فصل پنجم: وضعیت اداری در ابتدای تأسیس.....
۱۴۹.....	فصل ششم: اماکن تاریخی.....
۱۴۹.....	کاروانسراها.....
۱۵۳.....	حمامها.....
۱۵۳.....	آسیابها.....

۱۵۵.....	غار و چاه سنگی
۱۵۶.....	فصل هفتم: ارتقاء بخش فیروزکوه به شهرستان
۱۶۱.....	فصل هشتم: سپاسگزاری از خدمات
۱۶۲.....	فصل نهم: ملحقات
۱۶۵.....	نامنامه
۱۷۳.....	گزیده منابع

www.ketab.ir

«... یک نویسنده محقق که در صدد برمی آید یک سلسله از وقایع تاریخی مربوط به تقریباً یک هزار سال پیش را به طرز روشن، از منابع گوناگون و متضاد بنویسد، ناگزیر است از عقل خود استمداد نماید و چیزهایی را که با منطق واقعیت‌ها مغایر است، نپذیرد.

در تاریخ‌نویسی، اصلی وجود دارد که آن دخالت نظریه مورخ در تحقیق‌های تاریخی است. مورخ هر قدر بی‌طرف باشد، هنگام تحقیق کردن ر تاج، به واند نظریه خود را در تحقیق دخالت ندهد؛ به دلیل این که آنچه از تاریخ استخراج و استنتاج می‌کند، ناشی از فهم و عقل و قدرت تخیل اوست. مگر این که تحقیق نکند و فقط به ذکر وقایع متشابه یا متضاد اکتفا نماید و همین نه ای تحقیق و تحلیل تاریخ پیش آمد، ناگزیر قسمتی از نظریه خود مورخ، وارد تاریخ می‌شود.»

ذبیح‌الله منصوری / خداوند الموت

شبه‌مقدمه

ابتدا قصد داشتم به سیاق رایج مطالبی به عنوان مقدمه بنویسم، اما دریافتم حق مطلب آن‌طور که باید و وجدان می‌طلبد، ادا نمی‌شود و مدیون عزیزی شریف و محقق ارجمند می‌شوم که تاهاتابی تحت عنوان «دماوند و فیروزکوه و کیلان» و یا نزدیک به این عنوان نگاشته و با کمال وقت و موشکافی به معرفی جغرافیای تاریخی، اقتصاد، آمار، اشتغال، آداب و رسوم و دیگر مسائل مربوط به «این سه قصبه که جمعاً تشکیل یک شهرستان را داده‌اند» پرداخته است.

این کتاب ارزنده یا به قول نویسنده‌اش «رساله» که به سبب معدوم شدن صفحات نخست آن، که شناسنامه کتاب است، و نیز فتادگی صفحات آخر، نویسنده‌اش نامعلوم است، به همراه چند کتاب دیگر از طریق دوست ریزی^۱ در اختیار این جانب گذاشته شد که همین جا از ایشان سپاسگزاری می‌کنم.

لذا دو بخش از کتاب مذکور که مربوط به تاریخ میرکوه است، عیناً از این کتاب اخذ شد تا به عنوان مقدمه و نیز تکمله‌ای پیش از گفتار به شما ارائه شود که یادگار ارزنده این پژوهنده‌ ظاهرأ گمنام دگر باره در صفحات تاریخ جان بگیرد.

این محقق ارجمند شرح مفصلی از چگونگی شکل‌گیری شهرستان دماوند و فیروزکوه ارائه می‌دهد: که طبق مصوبه ۳۰۵۵۰ هیأت وزیران در تاریخ ۱۳۲۰/۸/۱۲، قصبه دماوند از تهران و قصبه فیروزکوه از ساری جدا و با الحاق کیلان به این دو قصبه شهرستان جدید (دماوند و فیروزکوه) شکل گرفت.

از صفحه ۷ تا صفحه ۱۸ کتاب مذکور، درباره اوضاع جغرافیایی این سه قصبه شرح مفصلی ارائه شده که به سیاق کتاب در حال نگارش این جانب، اطلاعات تاریخی فیروزکوه، از آن اخذ شد. جستارهایی که مربوط به تاریخ فیروزکوه بود، نقل می‌شود:

۱. جناب آقای مهندس مسعود مهین‌راد

«این قصبه در نود کیلومتری شهر دماوند در نزدیکی ویرانه‌های شهر قدیمی دیمه مجاور بقایای قلعه معروف فیروزکوه، در میان بریدگی عمیق و تنگ سه رشته‌کوه قرار گرفته و اکنون مرکز بخشداری و سایر ادارات دولتی و محل داد و ستد دهستان‌های تابعه است.»

«این قصبه پیش از عبور راه‌آهن^۱، تنها از لحاظ واقع بودن بر سر راه تهران به مازندران اهمیت داشته و از نظر کشاورزی قابل توجه نیست، ولی پس از عبور راه‌آهن و ساخت مهم‌ترین ایستگاه این خط در کنار آن اهمیت بیشتری یافته است. جمعیت آن قریب سه هزار نفر است و دارای یک‌صد باب مغازه و قهوه‌خانه است. علاوه بر کارکنان راه‌آهن و ادارات دولتی عده‌ای از اهالی سنگسر^۲ و قراء اطراف در آن سکونت اختیار نموده، اغلب به کسب اشتغال دارند. در این قصبه به واسطه توقف کامیون‌ها و اتوبوس‌های عبوری چندین مهمانخانه در تمام مدت شب و روز دایر است. وضع ساختمان‌های فیروزکوه اکثراً خوب نبوده و نظافت دائمی محل نیز کمتر مراعات می‌گردد.»^۳

نویسنده محترم از صفحات ۶۹ تا ۷۹ کتاب، تحت عنوان «مبحث سوم (وضعیت تاریخی)» شرح مختصری داده است که بخش‌های مربوط به فیروزکوه از لایه‌لای این صفحات گزینش شده، به نظر خواننده می‌رسد:

«... به‌طور کلی این منطقه به لحاظ موقعیت جغرافیائی و سوق‌الجیشی دائماً بین ملوک عراق^۴ و طبرستان مورد منازعه بوده و ... از این نظر که دروازه مازندران بری (به ری) محسوب می‌شد، طرفین سعی داشتند آن را در دست داشته باشند. بدین جهت وقایع و تصادفات زیادی در طول تاریخ در این منطقه رخ داده است، ولی در این گونه وقایع دماوند آرام‌تر از فیروزکوه بوده است.»

از آثار باقی‌مانده خصوصاً محاذات^۵ حبله‌رود از سر دره سوار^۶ تا ... ک فیروزکوه (مسیر

۱. پیداست این کتاب پس از سال ۱۳۱۵ شمسی نگارش یافته، زیرا راه‌آهن شمال در ۱۰ سن ماه سال ۱۳۱۵ افتتاح شد.

۲. مهدی شهر کنونی

۳. همان‌طور که در صفحه ۷ کتاب گفته شد، متأسفانه اطلاعات شناسنامه‌ای از آغاز و پایان کتاب افتاده است.

۴. بخش مرکزی ایران موسوم به عراق عجم

۵. محاذات: موازات، مقابل، برابر.

۶. بن‌کوه فعلی؛ محلی قلعه استوانند.

فعلی راه آهن) که از بهترین راه‌های وصول به مازندران بوده، معلوم می‌گردد که استحکامات و قلاع و برج‌های دیده‌بانی و مخابراتی^۱ برای حفظ و نگاهداری این دروازه^۲ ایجاد شده بود. با چنین تشکیلاتی عبور دشمن بسیار مشکل، بلکه محال بود. این گونه قلاع را ساکنین، به نام هفت‌خان رستم می‌نامند.

آنچه از تواریخ مشهود می‌شود این منطقه اغلب در دست حکام مازندران قرار داشته است.^۳ صرف نظر از این دسته قلاع حفاظتی، عده زیادی قلاع در نواحی مختلف پراکنده بوده که مسکن خانواده و حکام محلی بوده است. از بزرگ‌ترین قلاع قدیمه که مورد کاوش نیز قرار گرفته، قلعه خرابه لاجوردی در طرود فیروزکوه است. نام این قلعه در شاهنامه نیز ذکر شده است، بدین گونه:

در گنبدان در در چرمه در لاجوردی برای بنه

روی هم رفته آثار قلاع قدیمه در فیروزکوه بیش از دماوند است.

از آثار تاریخی که مربوط به زمان اخیر است، حجاری تنگه واشی است که منظره شکارگاه فتحعلی‌شاه قاجار از آن می‌آید.

به‌طوری‌که از تواریخ مستفاد می‌شود، این شهرستان^۴ غالباً در شدائد مأمین متمرّدین و ملوک و حکام اطراف که در مواجهه با دشمن دچار شکست می‌شدند، بوده است که در پناه حصارهای طبیعی این ناحیه خود را از دسترس دشمن مصون می‌داشتند. به همین علت غالب اوقات قسمتی از این ناحیه در دست این گونه حکام رانده شده قرار گرفته و خودسرانه حکومت می‌کرده‌اند.^۵

شلمیه را که فعلاً قریه‌ای نزدیک شهر دماوند است، اغلب تحت اسم «المسالک و الممالک» این خردادبه چاپ لیدن و همچنین «تاریخ رویان»، از «الغالبه آملی» و «تاریخ طبرستان» تألیف بهاءالدین اسفندیاری، از بلاد بزرگ قدیمه شمرده‌اند. این شهر نیز به‌وسیله

۱. برج‌های مخابراتی در بلندی‌ها وجود داشتند. در روز به‌وسیله دود و در شب به‌وسیله روشنایی آتش با یکدیگر در ارتباط بودند.

۲. منظور از دروازه، قلعه و شهر فیروزکوه است که چهارراه تهران، مازندران، ری و سمنان بوده است.

۳. قدمت فیروزکوه بیش از ساری و آمل بوده است (ر.ک. جلد نخست از همین نویسنده).

۴. مجموع قصبه دماوند، فیروزکوه و کیلان یک شهرستان شده بود، ولی در اینجا مؤلف فیروزکوه را شهرستان در نظر گرفته است.

۵. صفحه ۷۱، کتاب گمنام.

زلزله ویران شده است.

فیروزکوه نیز از بلاد قدیمه بوده و چندین بار توسعه و تنزل یافته، ولی نام فیروزکوه اغلب به قلعه فیروزکوه اطلاق می شده است. در «معجم البلدان» یاقوت حموی مذکور است که فیروزکوه قلعه‌ای در بلاد تبرستان در نزدیکی دماوند مشرف بر بلده موسوم به دیمه است. «تاریخ طبرستان» نیز ذکری از دیمه می کند و گویا دیمه نام سابق شهر فیروزکوه بوده است. در «نزهت القلوب حمدالله مستوفی» مسطور است که شهر فیروزکوه، چهار دروازه داشته و هفت طایفه را نام برده که در آن ساکن بوده‌اند. این شهر برخلاف دماوند از زلزله ویرانی نداشته، بلکه بیشتر تخریب‌های نظامی در آن صورت گرفته است.

از «حج السیر» مستفاد می شود سلطان رکن الدین خوارزمشاه که از طرف پدر^۱ ولایت عراق را داشت، در سال ۶۱۹ پس از وصول خبر ورود سپاه چنگیزخان به فیروزکوه پناه برد. لشکریان مغول در آنجا تعقیب و پس از ۶ ماه محاصره، فیروزکوه را مفتوح و سلطان رکن الدین و تمام متعاضدان او را مقتول ساختند.

همچنین در «مطلع السعیدین» تألیف عبدالرزاق بن اسحق سمرقندی مسطور است که اتباع امیر افراسیاب چلاوی، حاکم مازندران، پس از محاربات زیاد با امیر قوام الدین «مسعود» قاتل و جانشین افراسیاب، به فیروزکوه پناه داده شده‌اند.

از حبیب السیر مستفاد می شود که زمان ورود امیر تیمور گورکان، فیروزکوه در دست نواده‌های یکی از سرداران مغول، امیر ولی پسر شیخ علی هندو که پدرش از امرای طغنا تیمورخان مغول بود، قرار داشت.

امیر تیمور در معاودت به ترکستان در سال ۸۹۲ هجری قمری فیروزکوه و خوار^۲ را به اسکندر شیخی رجوع نمود. «مطلع السعیدین» می نویسد که در سال ۸۰۶ در موقع معاودت مجدد امیر تیمور به ترکستان، فیروزکوه توسط اسکندر شیخی مسخر شده و مقاومت ورزید. سپاه امیر تیمور شهر را محاصره و پس از ویران کردن قسمتی از شهر و برگرداندن آب^۳ و تخریب برج و مخزن آب قلعه، آن‌ها را وادار به تسلیم نموده و مورد عفو قرار داده

۱. صفحه ۷۳، همان.

۲. گرمسار کنونی.

۳. مسیر فرعی بازگرداندن آب ذکر نشده است.

و سلیمان‌شاه را به حکومت فیروزکوه منصوب نمود.^۱

از «عالم‌آرای عباسی» و «احسن‌التواریخ» مستفاد می‌شود که موکب شاه‌اسماعیل صفوی پس از تسخیر قلعه معتبر گل‌خندان دماوند، قلعه فیروزکوه را که امیرعلی کیای ضمان‌دار کوتوال آن بود، محاصره نمودند. کوتوال مزبور پس از محاربه بسیار تسلیم شد و مورد عفو قرار گرفت. مقارن همین احوال بین سلطان محمد چلاوی با قوای صفویه در حوالی شهر فیروزکوه تصادم شدیدی روی داده است.

به‌طور کلی آنچه از اوضاع تاریخی این شهرستان^۲ مستفاد می‌شود، این است که این منطقه دائماً محل زدوخورد و جنگ‌وگریز حکام و یاغیان اطراف بوده و ساکنین آن در طول حیات تاریخی خود تماشاجی بوده‌اند.

پس از شکست استبداد محمدعلی شاه قاجار نیز، چند سالی این شهرستان محل حرکات مذبحخانه‌ها و داران آن از جمله رشید سلطان^۳ بود که بالأخره در همین شهرستان ضمن زدوخورد کشته شده است.^۴

نویسنده و محقق ارجمند، کتاب ایشان دستمایه این شبه‌مقدمه شد، در ادامه به معرفی خانواده‌های حاکم بر فیروزکوه دماوند و معرفی شخصیت‌های ادبی، فقها و شعرا می‌پردازد که در بخش مربوط به بزرگان دماوند، تا آن‌جا که مدارک و اسناد اجازه دهد، بدان‌ها اشاره خواهد شد.

۱. بی‌نام، ص ۷۴.

۲. ر.ک. ص ۱۱. پانویشت ۷.

۳. کلنل رشید خان یا رشید سلطان که برای فتح تهران از قوچان لشکر کشیده بود، در محل نمرود فیروزکوه کشته شد.

۴. همان، ص ۷۵.